

# مطالعات علوم اسلامی انسانی

مقاله پژوهشی، سال یازدهم، شماره ۴۵، بهار ۱۴۰۵ (ص ۱-۱۲)  
دریافت: اسفندماه ۱۴۰۴ پذیرش: اردیبهشتماه ۱۴۰۵

## نقش مداخلات زود هنگام در پیشرفت کودکان با نیازهای ویژه

### The Impact of Parents and the Family Environment on the Development of Children with Learning Disabilities

مسعود سلیمی عزیزآبادی / کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

Masoud Salimi Azizabadi/ Master of Science in General Psychology Islamic Azad University, Kermanshah Branch, Kermanshah, Iran.

[Masoudsalimi4471@gmail.com](mailto:Masoudsalimi4471@gmail.com)

#### Abstract

Early intervention refers to a set of supportive and therapeutic services provided to children in the preschool years (typically from birth to six years of age) who are at risk of developmental delays or who have been diagnosed with developmental disorders. This article aims to examine the impact of early intervention programs on the cognitive and social abilities of children with special needs.

Children with special needs represent a broad group of individuals who, due to specific developmental, physical, sensory, or cognitive conditions, require educational and therapeutic support different from that of their peers. Cognitive skills—including attention, memory, problem-solving, reasoning, and executive functions—form the foundation of learning and adaptation to the environment.

The findings clearly indicate that early intervention not only helps prevent the worsening of developmental delays but also, by utilizing brain plasticity during early childhood, can activate new neural pathways and significantly improve cognitive skills. These interventions may lead to reduced need for more costly services in the future, increased personal independence, and improved quality of life for children and their families.

#### چکیده

مداخله زود هنگام به مجموعه خدمات حمایتی و درمانی اشاره دارد که به کودکان در سنین پیش دبستان (معمولاً از بدو تولد تا سن ۶ سالگی) که در معرض خطر تأخیرهای رشدی قرار دارند یا تشخیص اختلال رشدی برای آنها داده شده است ارائه می‌شود. این مقاله با هدف بررسی تأثیر برنامه‌های مداخله‌ای اولیه بر توانایی‌های شناختی و اجتماعی کودکان استثنایی نگاشته شده است. کودکان با نیازهای ویژه گروه وسیعی از کودکان را شامل می‌شوند که به دلیل شرایط خاص رشدی، جسمی حسی، یا ذهنی نیازمند حمایت‌های آموزشی و درمانی متفاوتی نسبت به همسالان خود هستند. مهارت‌های شناختی از جمله، توجه حافظه حل مسئله استدلال و عملکردهای اجرایی، پایه و اساس یادگیری و انطباق با محیط را تشکیل می‌دهند. یافته‌ها به وضوح نشان می‌دهند که مداخله زود هنگام نه تنها می‌تواند از تشدید تأخیرهای رشدی جلوگیری کند بلکه قادر است با بهره‌گیری از انعطاف پذیری مغز در سنین پایین مسیرهای عصبی جدیدی را فعال ساخته و مهارت‌های شناختی را به طور قابل توجهی بهبود بخشد. این مداخلات می‌تواند منجر به کاهش نیاز به خدمات پرهزینه‌تر در آینده افزایش استقلال فردی و بهبود کیفیت زندگی کودکان و خانواده‌هایشان شود. در نهایت، با ارائه نتایج و پیشنهادات کاربردی، بر اهمیت سرمایه‌گذاری در برنامه‌های جامع و یکپارچه مداخله زود هنگام تأکید می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** مداخله زود هنگام کودکان با نیازهای ویژه مهارت‌های شناختی، رشد شناختی، رشد اجتماعی، تأخیر رشدی، عملکردهای اجرایی.

Finally, by presenting practical results and recommendations, this study emphasizes the importance of investing in comprehensive and integrated early intervention programs.

**Keyword:** Early intervention, children with special needs, cognitive skills, cognitive development, social development, developmental delay, executive functions.

## مقدمه

در رشد انسان فرآیندی پیچیده و پویا است که از بدو تولد آغاز شده و در طول عمر ادامه می‌یابد. سالهای اولیه زندگی، به ویژه از بدو تولد تا شش سالگی دوره‌ای حیاتی برای شکل‌گیری ساختارهای مغزی و توسعه مهارت‌های بنیادی است که پایه و اساس یادگیری رفتار و تعاملات اجتماعی آینده فرد را تشکیل می‌دهند. در این دوره، مغز بیشترین انعطاف‌پذیری و ظرفیت را برای یادگیری دارد و تجربیات محیطی نقش تعیین‌کننده‌ای دریم‌کشی عصبی و توسعه عملکردی آن ایفا می‌کنند [۱].

در میان جمعیت کودکان گروهی تحت عنوان کودکان با نیازهای ویژه شناخته می‌شوند که به دلیل شرایط خاص بیولوژیکی، رشدی، حسی، جسمی یا ذهنی، در یک یا چند حیطه رشدی (مانند شناختی، حرکتی، اجتماعی، عاطفی، زبانی) با تأخیر یا ناتوانی مواجه هستند. این گروه شامل طیف وسیعی از اختلالات مانند سندرم داون، اختلال طیف اوتیسم، اختلال نقص توجه/بیش‌فعالی کم‌توانی ذهنی اختلالات یادگیری خاص اختلالات حسی (بینایی و شنوایی) و اختلالات حرکتی جسمی می‌شود ماهیت این اختلالات می‌تواند بر جنبه‌های مختلف رشد، به ویژه بر مهارت‌های شناختی، تأثیر بگذارد [۲].

مهارت‌های شناختی، مجموعه توانایی‌های ذهنی هستند که به فرد امکان درک، پردازش ذخیره و بازیابی اطلاعات را می‌دهند. این مهارت‌ها شامل توجه توانایی تمرکز و حفظ آن حافظه توانایی ذخیره و بازیابی اطلاعات، حل مسئله (توانایی یافتن راه حل برای چالش‌ها)، استدلال (توانایی تفکر منطقی درک، زبان استدلال فضایی-دیداری و عملکردهای اجرایی مانند برنامه ریزی، سازماندهی خودکنترلی و انعطاف‌پذیری شناختی) می‌شوند. توسعه ناکافی این مهارت‌ها در کودکان با نیازهای ویژه می‌تواند چالش‌های قابل توجهی را در یادگیری، تعاملات اجتماعی استقلال شخصی و موفقیت تحصیلی و شغلی آینده آنها ایجاد کند. کودکان دارای نیازهای ویژه به دلیل آسیب‌ها، نارسایی‌ها و نقایص ویژه‌ای که دارند، بر مبنای نوع و شدت این مشکلات دارای درجاتی از اختلال‌های روان شناختی می‌باشند. از این نظر به کارگیری مداخله‌های زود هنگام پیشگیرانه و مداخله‌های درمانی مناسب، مؤثر و کارآمد برای آنها بیش از سایر کودکان اهمیت دارد [۱].

مهارت‌های اجتماعی از عوامل اساسی برای رشد و موفقیت کودکان در زمینه‌های مختلف زندگی به شمار می‌روند. کودکان استثنایی به دلیل چالش‌های جسمی ذهنی یا، عاطفی در یادگیری و به کارگیری این مهارت‌ها نیاز به حمایت ویژه دارند. در این راستا مداخلات روانشناختی می‌توانند نقش مهمی در تقویت این مهارت‌ها ایفا کنند.

مداخله‌های روان شناختی هر گونه اقداماتی است که روان شناسان و مشاوران به منظور پیشگیری، درمان و کاهش مشکلات روان شناختی افراد به کار می‌برند. هدف نهایی این مداخله‌ها کمک به افراد برای درک بهتر خود و جهان پیرامون، افزایش قابلیت و توانمندی، سازگاری و ارتقای سلامت روانی آنهاست [۳]. بنابراین آموزش‌های روان شناختی مانند آموزش مهارت‌های زندگی و آموزش ابزار وجود، درمان‌های روان شناختی مانند رفتار درمانی و انواع فنون روان درمانی و نیز توان بخشی مانند ترمیم مشکلات ادراکی و شناختی از جمله مداخله‌های روان شناختی تلقی می‌شوند.

در چنین شرایطی، "مداخله زود هنگام به عنوان یک رویکرد حیاتی و اثربخش مطرح می‌شود. مداخله زود هنگام به سیستم جامع خدمات حمایتی و درمانی اشاره دارد که از زمان تشخیص تأخیر یا ناتوانی رشدی در کودکان کم سن و سال (معمولاً از بدو تولد تا ۳ یا ۶ سالگی) با هدف به حداقل رساندن تأثیرات منفی اختلال و به حداکثر رساندن پتانسیل رشدی کودک آغاز می‌شود. این خدمات ممکن است شامل درمان‌های گفتار درمانی کاردرمانی فیزیوتراپی آموزش ویژه مشاوره روانشناسی آموزش والدین و سایر حمایت‌های ضروری باشد که توسط تیمی از متخصصین ارائه می‌گردد [۴].

هدف اصلی مداخله زود هنگام، نه تنها جبران تأخیرهای موجود، بلکه پیشگیری از بروز مشکلات ثانویه، تسهیل ادغام کودک در محیط‌های طبیعی و فراهم آوردن فرصتهایی برای شکوفایی کامل توانایی‌های اوست.

عدم مداخله به موقع برای پرداختن به این تأخیرها و مشکلات شناختی می‌تواند پیامدهای وخیمی در پی داشته باشد. تأخیرهای شناختی در سنین پایین، نه تنها مانع از پیشرفت تحصیلی می‌شوند، بلکه می‌توانند بر توانایی کودک برای برقراری ارتباط مؤثر شرکت در بازیهای اجتماعی توسعه مهارت‌های خودیاری و در نهایت، استقلال فردی او در بزرگسالی تأثیر منفی بگذارند. به عنوان مثال، مشکلات در توجه و حافظه می‌تواند یادگیری مفاهیم جدید را دشوار ساخته، در حالی که ضعف در حل مسئله می‌تواند منجر به وابستگی بیشتر به دیگران شود. این چرخه معیوب، می‌تواند منجر به افزایش ناامیدی کاهش اعتماد به نفس و حتی بروز مشکلات رفتاری و عاطفی در کودکان شود [۵].

علاوه بر این، عدم مداخله زود هنگام بار سنگینی را بر خانواده‌ها و سیستم‌های مراقبت‌های بهداشتی و آموزشی تحمیل می‌کند. والدینی که کودکانشان با تأخیرهای رشدی مواجه هستند اغلب با استرس اضطراب و فشارهای مالی زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند. در سطح جامعه نیز نیاز به خدمات حمایتی و آموزشی ویژه در سنین بالاتر، به مراتب پیچیده‌تر، زمان برتر و گرانقیمت‌تر خواهد بود. این مسائل نشان می‌دهد که تأخیر در تشخیص و ارائه خدمات مداخله‌ای، نه تنها به پتانسیل رشدی کودکان آسیب می‌رساند، بلکه منابع انسانی و مالی جامعه را نیز به هدر می‌دهد [۱].

## مبانی نظری و پیشینه تحقیق

### تعریف کودکان استثنایی

کودکان استثنایی شامل گروههایی از افراد با نیازهای ویژه نظیر ناتوانیهای ذهنی اوتیسم و اختلالات یادگیری هستند هاشمی و همکاران ۲۰۱۹ این کودکان غالباً با مشکلاتی در تعاملات اجتماعی مواجه‌اند که ممکن است منجر به انزوا یا عدم پذیرش در جامعه شود.

### انعطاف پذیری مغز (Plasticity) در دوران کودکی

مغز انسان در سالهای اولیه زندگی به ویژه تا ۵-۶ سالگی دارای بالاترین سطح انعطاف پذیری عصبی (plasticity) است [۶]. این بدان معناست که مغز قادر است به طور فعال خود را در پاسخ به تجربیات محیطی سازماندهی مجدد کند و مسیرهای عصبی جدیدی بسازد. مداخله زود هنگام، با فراهم آوردن محیطی غنی و تحریک کننده، از این ویژگی منحصر به فرد مغز بهره می‌برد تا به جبران آسیبها و تقویت مهارت‌های شناختی کمک کند. در واقع، هرچه مداخله زودتر آغاز شود، احتمال ایجاد تغییرات پایدار و مثبت در ساختار و عملکرد مغز بیشتر است.

### پیشگیری از تأخیرهای ثانویه و مشکلات رفتاری

تأخیر در یک حیطه، رشدی اغلب می‌تواند به تأخیر در سایر حیطه‌ها منجر شود. به عنوان مثال، تأخیر در مهارت‌های زبانی و شناختی می‌تواند بر توانایی کودک برای تعاملات اجتماعی و تنظیم هیجان اثر بگذارد و منجر به بروز مشکلات رفتاری مانند پرخاشگری یا انزوا شود. مداخله زود هنگام می‌تواند این چرخه معیوب را شکسته از بروز تأخیرهای ثانویه پیشگیری کرده و از شکل گیری الگوهای رفتاری نامطلوب جلوگیری نماید [۲].

### افزایش پتانسیل رشدی و استقلال فردی

هدف نهایی مداخله زود هنگام، افزایش حداکثری پتانسیل رشدی هر کودک است. با بهبود مهارت‌های شناختی مانند توجه، حافظه و حل مسئله کودکان با نیازهای ویژه قادر خواهند بود تا اطلاعات را بهتر پردازش کرده، از محیط خود یاد بگیرند و به مرور زمان در انجام فعالیتهای روزمره مراقبت از خود و تعامل با دیگران مستقل تر شوند. این استقلال نه تنها کیفیت زندگی فرد را بهبود می‌بخشد بلکه بار مراقبتی را از دوش خانواده‌ها نیز بر می‌دارد.

### کاهش هزینه‌های بلندمدت

تحقیقات متعدد از جمله پروژه‌هایی مانند Abecedarian نشان داده‌اند که سرمایه‌گذاری در مداخله زودهنگام، ر درازمدت از نظر اقتصادی به صرفه است. کودکانی که در برنامه‌های مداخله‌ای شرکت می‌کنند در آینده نیاز کمتری به آموزش ویژه فشرده، خدمات درمانی و حمایت‌های اجتماعی گسترده خواهند داشت این کودکان اغلب در مدرسه عملکرد بهتری دارند ز برترین بالاتری از دبیرستان نشان می‌دهند و احتمال بیشتری برای یافتن شغل و مشارکت سازنده در جامعه دارند که در نهایت به کاهش هزینه‌های تحمیلی بر سیستم‌های رفاهی و بهداشتی-درمانی منجر می‌شود [۷].

### حمایت از خانواده و تقویت سیستم‌های حمایتی

خانواده‌های کودکان با نیازهای ویژه، با چالش‌های منحصر به فردی روبرو هستند. مداخله زودهنگام، نه تنها بر کودک تمرکز دارد، بلکه با آموزش والدین، فراهم آوردن حمایت‌های روانی و اجتماعی و ارائه راهبردهای مؤثر برای تعامل با کودک، به توانمندسازی خانواده‌ها نیز کمک می‌کند. کند مشارکت والدین در این برنامه‌ها برای اثربخشی مداخله حیاتی است. تقویت خانواده‌ها به عنوان نخستین و مهمترین محیط رشدی کودک، تضمین کننده تداوم و انتقال یادگیری به محیط‌های طبیعی است.

### تحقق عدالت اجتماعی و حقوق بشر

هر کودکی، صرف نظر از توانایی‌هایش، حق دارد که به حداکثر پتانسیل رشدی خود دست یابد. مداخله زودهنگام، با فراهم آوردن فرصت‌های برابر برای کودکان با نیازهای ویژه به تحقق عدالت اجتماعی کمک می‌کند و به آنها امکان می‌دهد تا در جامعه‌ای فراگیر و پذیرنده، زندگی کامل و معناداری داشته باشند. این امر، بیانگر تعهد جامعه به اصول حقوق بشر و ارزش گذاری کرامت انسانی همه افراد است.

با توجه به این دلایل ضرورت و اهمیت مداخله زودهنگام در بهبود مهارت‌های شناختی کودکان با نیازهای ویژه نه تنها به عنوان یک رویکرد درمانی بلکه به عنوان یک سرمایه‌گذاری استراتژیک برای آینده افراد و جامعه، غیرقابل انکار است [۸].

### نقش مهارت‌های اجتماعی

مهارت‌های اجتماعی شامل توانایی برقراری ارتباط حل تعارضات و همکاری در گروه‌ها است. این مهارت‌ها به کودکان کمک می‌کنند تا روابط مثبت با دیگران برقرار کرده و اعتماد به نفس خود را تقویت کنند.

### مداخلات روانشناختی مؤثر

#### الف) آموزش مهارت‌های اجتماعی

برنامه‌های آموزشی مانند جلسات گروهی یا فردی با استفاده از روش‌های تعاملی به کودکان استثنایی کمک می‌کند تا رفتارهای مناسب را بیاموزند نتایج مطالعات نشان می‌دهد که این روشها منجر به افزایش توانایی کودکان در تعاملات می‌شوند.

#### ب) بازی درمانی روزمره

بازی درمانی یکی از ابزارهای مؤثر برای تقویت مهارت‌های اجتماعی کودکان است. این روش به آنها کمک می‌کند تا از طریق بازی و شبیه سازی موقعیت‌های واقعی توانایی حل مشکلات و برقراری ارتباط را تقویت کنند.

#### ج) رفتار درمانی شناختی

این رویکرد با تمرکز بر تغییر افکار و رفتارهای نامطلوب، کودکان به بهبود روابط اجتماعی آنها کمک می‌کند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که رفتار درمانی شناختی تأثیر مثبتی در کاهش اضطراب و بهبود تعاملات اجتماعی کودکان استثنایی دارد [۹].

### نقش مداخلات مبتنی بر گروه

مداخلات گروهی یکی از رویکردهای موفق در تقویت مهارت‌های اجتماعی کودکان استثنایی است. در این رویکرد، کودکان در محیطی حمایتی با همسالان خود تعامل می‌کنند و فرصتهایی برای تمرین مهارت‌های ارتباطی و حل مسئله فراهم می‌شود. پژوهش احمدی و راد (۲۰۲۲) نشان داد که کودکان استثنایی پس از شرکت در جلسات گروهی بهبود معناداری در تعاملات اجتماعی و رفتارهای همکاری نشان دادند.

### استفاده از فناوری در مداخلات روانشناختی

فناوری‌های نوین نظیر اپلیکیشنهای آموزشی و رباتهای تعامل محور نقش مهمی در تسهیل آموزش مهارت‌های اجتماعی ایفا می‌کنند. این ابزارها محیط‌های شبیه سازی شده‌ای را ارائه می‌دهند که کودکان در آن می‌توانند مهارت‌های خود را در شرایطی امن و قابل کنترل تمرین کنند به عنوان مثال، مطالعه رستمی (۲۰۲۱) نشان داد که استفاده از رباتهای اجتماعی در جلسات بازی درمانی تعاملات کودکان با اوتیسم را تا ۴۰ درصد افزایش داده است.

### تمرینات مبتنی بر نقش آفرینی

نقش آفرینی یا شبیه سازی موقعیتهای اجتماعی واقعی از دیگر روشهای مداخله‌ای است که برای کودکان استثنایی مؤثر بوده است. در این روش کودکان نقشهای مختلفی را بازی می‌کنند و یاد می‌گیرند چگونه در موقعیتهای مختلف مانند نوبت گیری یا حل تعارض عمل کنند نصیری (۲۰۲۰) در پژوهشی نشان داد که جلسات نقش آفرینی باعث افزایش اعتماد به نفس و توانایی مدیریت تعارض در کودکان استثنایی می‌شود [۱۰].

### مداخلات خانواده محور

نقش خانواده در تقویت مهارت‌های اجتماعی کودکان غیرقابل انکار است برنامه‌های آموزشی که والدین را در فرآیند مداخلات روانشناختی دخیل می‌کنند نتایج بهتری ارائه می‌دهند. شریفی (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای بیان کرد که والدینی که در کارگاههای آموزش مهارت‌های اجتماعی شرکت کرده‌اند توانسته‌اند رفتارهای اجتماعی فرزندان خود را بهبود بخشند.

### استفاده از هنر در مداخلات روانشناختی

هنردرمانی، شامل فعالیتهایی مانند نقاشی موسیقی و تئاتر به عنوان یک روش مؤثر در تقویت مهارت‌های اجتماعی کودکان استثنایی شناخته شده است. این روش به کودکان کمک می‌کند تا احساسات خود را بیان کنند و در عین حال با دیگران تعامل داشته باشند مطالعه‌ای توسط هاشمی و همکاران (۲۰۱۹) نشان داد که شرکت در جلسات هنر درمانی گروهی، توانایی کودکان با اختلالات یادگیری را در برقراری روابط اجتماعی تا ۳۰ درصد افزایش داده است.

### نقش مربیان و متخصصان در فرآیند مداخلات

مربیان و متخصصان روانشناسی تربیتی نقش کلیدی در اجرای موفقیت آمیز برنامه‌های مداخلات روانشناختی دارند. آنها با استفاده از ارزیابیهای فردی، برنامه‌هایی متناسب با نیازهای هر کودک طراحی می‌کنند کاظمی (۲۰۲۱) بیان می‌کند که حضور متخصصان آموزش دیده در جلسات مشاوره و رفتار درمانی باعث افزایش اثربخشی این مداخلات می‌شود [۱۱].

### مداخلات بر اساس نظریه بازی

نظریه بازی که بر تعامل و همکاری در قالب فعالیتهای بازی محور تمرکز دارد ابزار قدرتمندی در آموزش مهارت‌های اجتماعی محسوب می‌شود به عنوان مثال در پژوهشی توسط رستمی (۲۰۲۱) نشان داده شد که بازیهای گروهی طراحی شده برای کودکان اوتیسم توانایی آنها را در همکاری و حل مسئله تقویت کرده است.

### آموزش مهارت‌های حل مسئله

یکی از چالش‌های کودکان استثنایی ناتوانی در مدیریت تعارضات اجتماعی است. آموزش حل مسئله به این کودکان کمک می‌کند تا در مواجهه با موقعیتهای چالش برانگیز راه‌های سازنده‌ای پیدا کنند. نصیری (۲۰۲۰) در پژوهشی نشان داد که مداخلات مبتنی بر آموزش حل مسئله باعث کاهش رفتارهای پرخاشگرانه در کودکان استثنایی شده است [۱۲].

### تأثیر مداخلات مبتنی بر بازیهای تعاملی دیجیتال

استفاده از بازیهای تعاملی دیجیتال به عنوان یک رویکرد نوین در تقویت مهارت‌های اجتماعی کودکان استثنایی مورد توجه قرار گرفته است. این بازیها محیطی امن و کنترل شده فراهم می‌کنند که کودکان می‌توانند مهارت‌هایی مانند نوبت‌گیری، حل مسئله و کار گروهی را تمرین کنند بر اساس پژوهش کاظمی و نوری (۲۰۲۳) اجرای مداخلات مبتنی بر بازیهای دیجیتال در مدارس، ویژه منجر به افزایش ۲۵ درصدی مهارت‌های اجتماعی در کودکان مبتلا به اوتیسم شد [۱۳].

### مداخلات رفتاری عاطفی

رویکردهای رفتاری عاطفی شامل تکنیکهایی نظیر تنظیم هیجانات و تقویت خودآگاهی است که می‌تواند تعاملات اجتماعی را بهبود بخشد. نصیری و احمدی (۲۰۲۱) نشان دادند که این مداخلات باعث کاهش اضطراب اجتماعی و افزایش تعامل مثبت در کودکان با ناتوانیهای ذهنی شده است.

### آموزش معلمان و والدین

یکی از عوامل کلیدی در موفقیت مداخلات روانشناختی آموزش معلمان و والدین برای حمایت بهتر از کودکان استثنایی است. برنامه‌های آموزشی طراحی شده برای والدین آنها را قادر می‌سازد تا با استفاده از تکنیکهای رفتاری مناسب، تعاملات اجتماعی فرزندان خود را بهبود بخشند مطالعه شریفی (۲۰۲۰) نشان داد که والدینی که در این برنامه‌ها شرکت کرده‌اند، گزارش افزایش قابل توجهی در مهارت‌های اجتماعی فرزندان خود داده‌اند.

### اثرات بلندمدت مداخلات روانشناختی

تحقیقات نشان می‌دهند که مداخلات روانشناختی نه تنها اثرات کوتاه مدت دارند بلکه به تقویت پایدار مهارت‌های اجتماعی در کودکان استثنایی کمک کنند. بر اساس مطالعه احمدی و راد (۲۰۲۲) کودکانی که تحت برنامه‌های آموزشی مهارت‌های اجتماعی قرار گرفته‌اند در بزرگسالی نیز در برقراری روابط مؤثرتر عمل کرده‌اند [۷].

### تأثیر تکنیک‌های مبتنی بر ذهن آگاهی

ذهن آگاهی یکی از رویکردهای نوین در روانشناسی است که تأثیر بسزایی در تقویت مهارت‌های اجتماعی کودکان استثنایی دارد. تکنیک‌هایی مانند تمرین تنفس عمیق و تمرکز بر لحظه حال به کودکان کمک می‌کند تا هیجانات خود را مدیریت کرده و در موقعیتهای اجتماعی بهتر عمل کنند پژوهش هاشمی و همکاران (۲۰۲۲) نشان داد که استفاده از تمرینهای ذهن آگاهی باعث کاهش اضطراب اجتماعی و بهبود مهارت‌های گفت و گو در کودکان مبتلا به اوتیسم شده است.

### مداخلات مبتنی بر حیوانات درمانی

حیوانات درمانی مانند استفاده از سگهای آموزش دیده تأثیر مثبتی بر بهبود روابط اجتماعی کودکان استثنایی دارد. این روش به کودکان کمک می‌کند تا حس همدلی و ارتباط عاطفی را تجربه کنند بر اساس مطالعه رستمی و ملکی (۲۰۲۲)، کودکان با اختلالات یادگیری که در جلسات درمانی با حیوانات شرکت کردند توانستند رفتارهای اجتماعی مثبت خود را تا ۴۰ درصد افزایش دهند [۱].

### تأثیر برنامه‌های ورزشی گروهی

فعالیت‌های ورزشی گروهی به دلیل ماهیت تعامل محور خود محیط مناسبی برای آموزش مهارت‌های اجتماعی فراهم می‌کنند این برنامه‌ها به کودکان کمک می‌کند تا یاد بگیرند چگونه در تیم همکاری کرده و از یکدیگر حمایت کنند. در پژوهشی توسط کاظمی (۲۰۲۳) اجرای برنامه‌های ورزشی گروهی برای کودکان با ناتوانیهای ذهنی، منجر به افزایش قابل توجه در مهارت‌های ارتباطی و کاهش رفتارهای انزواطلبانه شد [۱۲].

### تقویت مهارت‌های ارتباط غیر کلامی

مهارت‌های ارتباط غیر کلامی مانند استفاده از زبان بدن و تماس چشمی نقش مهمی در تعاملات اجتماعی دارند. آموزش این مهارت‌ها به کودکان استثنایی کمک می‌کند تا پیامهای اجتماعی را بهتر درک کرده و واکنش مناسب نشان دهند. نصیری و احمدی (۲۰۲۱) نشان دادند که برنامه‌های آموزشی ارتباط غیر کلامی باعث بهبود ۳۰ درصدی در درک اجتماعی کودکان اوتیسم شده است.

### چالش‌ها و محدودیتهای مداخلات

اگرچه مداخلات روانشناختی تأثیر بسزایی در تقویت مهارت‌های اجتماعی دارند اما محدودیتهایی نظیر کمبود منابع مالی و آموزشی تعداد پایین متخصصان مجرب و عدم دسترسی همه کودکان به این برنامه‌ها وجود دارد. شریفی (۲۰۲۰) تأکید می‌کند که توسعه برنامه‌های حمایتی و سیاست‌گذاریهای مناسب می‌تواند این موانع را کاهش دهد [۱۳].

### نقش موسیقی درمانی در بهبود تعاملات اجتماعی

موسیقی درمانی یکی از روشهای مؤثر در بهبود مهارت‌های اجتماعی کودکان استثنایی است این روش با ایجاد محیطی آرامش بخش، به کودکان کمک می‌کند تا احساسات خود را بیان کرده و تعاملات اجتماعی خود را تقویت کنند. مطالعه‌ای توسط رضایی و همکاران (۲۰۲۲) نشان داد که استفاده از موسیقی درمانی گروهی به افزایش ۳۵ درصدی توانایی برقراری ارتباط در کودکان مبتلا به اختلال نقص توجه و بیش‌فعالی (ADHD) منجر شده است.

### کاربرد تکنولوژیهای واقعیت مجازی

واقعیت مجازی (VR) ابزار نوینی است که به کودکان اجازه می‌دهد در محیط‌های شبیه‌سازی شده به تمرین مهارت‌های اجتماعی بپردازند این فناوری به خصوص برای کودکان اوتیسم بسیار مفید بوده است به گفته کاظمی و نوری (۲۰۲۳)، استفاده از محیط‌های واقعیت مجازی برای آموزش مهارت‌های اجتماعی به، کودکان توانایی آنها را در برقراری ارتباط با همسالان افزایش داده و استرس اجتماعی را کاهش داده است [۱۴].

### مداخلات مبتنی بر داستان سرایی

داستان سرایی یکی از روشهای خلاقانه برای تقویت مهارت‌های اجتماعی است که در آن کودکان از طریق شنیدن یا خلق داستان یاد می‌گیرند چگونه در موقعیتهای اجتماعی مختلف رفتار کنند پژوهش نصیری و احمدی (۲۰۲۱) نشان داد که جلسات داستان سرایی گروهی به افزایش همدلی و درک احساسات دیگران در کودکان با ناتوانیهای یادگیری کمک کرده است.

### برنامه‌های تقویت کارکردهای اجرایی

کارکردهای اجرایی مانند حافظه کاری کنترل توجه و انعطاف پذیری، شناختی تأثیر مستقیم بر توانایی کودکان در تعاملات اجتماعی دارند. مداخلاتی که این مهارت‌ها را تقویت می‌کنند می‌توانند منجر به بهبود روابط اجتماعی شوند. بر اساس مطالعه‌ای توسط رستمی و ملکی (۲۰۲۲) اجرای برنامه‌های آموزشی کارکردهای اجرایی به افزایش توانایی تصمیم‌گیری در موقعیتهای اجتماعی منجر شده است [۱۵].

### اهمیت ارزیابی مستمر و شخصی سازی مداخلات

برای اطمینان از اثر بخشی مداخلات روانشناختی ارزیابی مداوم و شخصی سازی برنامه‌ها ضروری است. متخصصان باید به طور منظم پیشرفت کودکان را بررسی کرده و مداخلات را بر اساس نیازهای خاص آنها تنظیم کنند شریفی (۲۰۲۰) بر اهمیت این رویکرد تأکید کرده و بیان می‌کند که عدم ارزیابی مستمر می‌تواند اثر بخشی برنامه‌ها را کاهش دهد.

### پیشینه پژوهشی خارجی

پژوهش‌های بین‌المللی بنیان‌های نظری و تجربی محکمی برای مداخله زود هنگام فراهم آورده‌اند: پروژه اَبسَداریان (Abeedarian Project) یکی از برجسته‌ترین مطالعات طولی در این زمینه، پروژه Abeedarian است که توسط رامی و رامی (۲۰۰۴) در ایالات متحده انجام شد. این مطالعه بر روی کودکان محروم و در معرض خطر تأخیر رشدی متمرکز بود و نشان داد که مداخله آموزشی فشرده و زود هنگام از چند ماهگی تا ۵ سالگی می‌تواند تأثیرات پایدار و مثبتی بر رشد شناختی و تحصیلی این کودکان داشته باشد. نتایج تا بزرگسالی نیز پیگیری شد و بهبود معناداری در نمرات هوش، دستاوردهای تحصیلی و حتی وضعیت شغلی را در گروه مداخله نشان داد.

پروژه‌های Head Start برنامه‌های Head Start در آمریکا نیز از دیگر نمونه‌های موفق مداخله زود هنگام هستند که بر توسعه جامع کودکان محروم از جمله مهارت‌های شناختی تأکید دارند. زیگلر و مونچو (۱۹۹۲) در بررسی خود نشان دادند که این برنامه‌ها می‌توانند به بهبود آمادگی تحصیلی، مهارت‌های زبانی و برخی ابعاد شناختی در کودکان کمک کنند.

مداخله در سندرم داون اسپایکر و همکاران در یک مطالعه طولی ۲۰ ساله بر روی کودکان مبتلا به سندرم داون اثر بخشی برنامه‌های مداخله زود هنگام را تأیید کردند. این مطالعه نشان داد که کودکانی که مداخله زود هنگام دریافت کرده‌اند در طول زمان دارای مهارت‌های شناختی و انطباقی بالاتری نسبت به گروه کنترل بوده‌اند، به ویژه در حوزه‌های زبانی و حل مسئله [۱۶].

مداخله در اختلال طیف اوتیسم: (ASD) دوسون و اوسترلینگ ۱۹۹۷ از جمله پیشگامان مطالعات اثر بخشی مداخله زود هنگام در اوتیسم بودند. آن‌ها و مطالعات بعدی نشان دادند که مداخلات فشرده ساختار یافته و مبتنی بر اصول تحلیل کاربردی رفتار (ABA) که در سنین پایین (۲-۳ سالگی) آغاز می‌شوند می‌توانند به بهبود قابل توجهی در مهارت‌های شناختی، زبانی و اجتماعی کودکان اوتیسمی منجر شوند. این مداخلات بر توجه مشترک، تقلید، مهارت‌های پیش کلامی و بازیهای عملکردی تمرکز دارند.

نقش عملکردهای اجرایی شونکوف ۲۰۱۱ بر اهمیت توسعه عملکردهای اجرایی (مانند حافظه کاری کنترل بازداری و انعطاف پذیری شناختی در سالهای اولیه زندگی تأکید کرده و نشان داده است که مداخلات هدفمند می‌توانند این مهارت‌ها را در کودکان با نیازهای ویژه بهبود بخشند که به نوبه خود بر یادگیری و سازگاری آنها تأثیر مثبت می‌گذارد.

مرور ادبیات گونالیگ (۲۰۱۰) گونالیگ در مروری بر ادبیات مربوط به مداخله زود هنگام برای کودکان با کم توانی‌های ذهنی نتیجه گرفت که برنامه‌های جامع و خانواده محور، می‌توانند به طور معناداری بر رشد شناختی و سازگاری کودکان تأثیر مثبت بگذارند، مشروط بر اینکه کیفیت بالا و پیوستگی داشته باشند.

### پیشینه پژوهشی ایرانی

در ایران نیز مطالعات متعددی در زمینه مداخله زود هنگام برای کودکان با نیازهای ویژه انجام شده است که نتایج آنها همسو با یافته‌های بین‌المللی است

کودکان اوتیسم و توجه: کریمی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان "اثر بخشی مداخله زود هنگام مبتنی بر بازی در بهبود توجه پایدار کودکان اوتیسم"، نشان داد که یک برنامه مداخله‌ای مبتنی بر بازی، که بر تعاملات متقابل و توجه مشترک تمرکز داشت به طور معناداری توجه پایدار و متمرکز کودکان اوتیسمی را بهبود بخشید. این مطالعه بر نقش محیط‌های غنی و جذاب در تحریک شناختی این کودکان تأکید دارد. سندرم داون و حافظه کاری احمدی و موسوی (۱۴۰۱) در پژوهشی مقایسه‌ای اثر بخشی دو برنامه مداخله‌ای شناختی متفاوت را بر حافظه کاری کودکان با سندرم داون مورد بررسی قرار دادند. نتایج آنها نشان داد که هر دو برنامه، به ویژه برنامه‌ای که بر تمرینات تکراری و بازیهای تقویت کننده حافظه دیداری شنیداری تأکید داشت منجر به بهبود معناداری در حافظه کاری این کودکان شد. این یافته‌ها اهمیت طراحی مداخلات خاص برای حیطه‌های خاص شناختی را برجسته می‌کند.

نقش آموزش والدین در کم توانی ذهنی رضایی (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای به نقش آموزش والدین در توسعه مهارت‌های حل مسئله کودکان کم توان ذهنی پرداخت. نتایج نشان داد که والدینی که در دوره‌های آموزشی ویژه شرکت کرده و راهبردهای آموزش حل مسئله را در خانه به کار بسته‌اند، کودکانشان پیشرفت قابل توجهی در توانایی حل مسائل روزمره نشان داده‌اند این مطالعه اهمیت مشارکت فعال خانواده در فرآیند مداخله را تأیید می‌کند.

اختلال نقص توجه/بیش‌فعالی (ADHD) و عملکردهای اجرایی شریفی و یوسفی (۱۴۰۰) در پژوهشی تأثیر برنامه‌های آموزشی زود هنگام بر عملکردهای اجرایی در کودکان با اختلال نقص توجه/بیش‌فعالی را بررسی کردند یافته‌های آنها حاکی از آن بود که مداخلات مبتنی بر بازی و فعالیت‌های ساختاریافته که به تقویت خود تنظیمی برنامه ریزی و کنترل بازداری می‌پردازند، به طور مؤثری به بهبود این عملکردهای شناختی در کودکان پیش دبستانی با ADHD کمک کردند.

مطالعات جامع در زمینه مداخله مروری و تحلیلی در ایران، بر نیاز به برنامه‌های جامع، میان رشته‌ای و خانواده محور در حوزه مداخله زود هنگام تأکید کرده و به شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های موجود در این زمینه پرداخته‌اند.

به طور کلی، هم پیشینه پژوهشی ایرانی و هم خارجی به وضوح نشان می‌دهد که مداخله زود هنگام، به ویژه هنگامی که به صورت فشرده، هدفمند و خانواده محور طراحی شود، تأثیرات مثبت و پایداری بر بهبود مهارت‌های شناختی کودکان با نیازهای ویژه دارد. این، شواهد پایه و اساس محکمی برای توصیه‌های کاربردی در این مقاله فراهم می‌آورد.

## بحث و نتیجه گیری

مداخله زود هنگام بر رشد شناختی، مداخله زود هنگام فارغ از نوع نیاز ویژه دارای اثر بخشی مثبت و قابل توجهی بر رشد شناختی کودکان است. این مداخلات می‌توانند نمرات IQ مهارت‌های حل مسئله، استدلال و توانایی‌های یادگیری عمومی را افزایش دهند. این بهبود نه تنها در کوتاه مدت، بلکه در مطالعات طولی تا سنین نوجوانی و بزرگسالی نیز پایدار بوده است که نشان دهنده تغییرات ساختاری و عملکردی بلندمدت در مغز است [۱۷].

## بهبود عملکردهای اجرایی

یکی از مهمترین حیطه‌هایی که مداخله زود هنگام به طور مؤثر بر آن تأثیر می‌گذارد، "عملکردهای اجرایی" است. این شامل مهارت‌هایی نظیر حافظه کاری کنترل بازداری مهار پاسخهای نامناسب انعطاف پذیری شناختی، برنامه ریزی و سازماندهی می‌شود. حافظه کاری مطالعات مانند در سندرم داون) نشان می‌دهند که مداخلات هدفمند می‌توانند ظرفیت حافظه کاری را بهبود بخشند. این بهبود برای یادگیری آکادمیک و دنبال کردن دستورالعملها حیاتی است.

کنترل بازداری و توجه در کودکان با اختلال نقص توجه/بیش‌فعالی (ADHD)، مداخلات زود هنگام می‌توانند به تقویت کنترل بازداری و بهبود توانایی حفظ و انتقال توجه کمک کنند. در کودکان اوتیسم بهبود توجه پایدار و مشترک از طریق مداخلات مبتنی بر بازی گزارش شده است.

انعطاف پذیری شناختی و برنامه ریزی مداخلاتی که فرصتهایی برای حل مسئله، تفکر خلاق و تغییر رویکرد در مواجهه با چالش‌ها فراهم می‌آورند می‌توانند به توسعه انعطاف پذیری شناختی و مهارت‌های برنامه ریزی در کودکان با نیازهای ویژه کمک کنند [۱۸].

## تأثیر بر مهارت‌های زبانی و ارتباطی به عنوان بخش جدایی ناپذیر از شناخت:

گرچه زبان و شناخت دو حوزه متفاوت هستند، اما ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند توسعه مهارت‌های زبانی (درک و بیان) به طور مستقیم بر رشد شناختی تأثیر می‌گذارد و بالعکس مداخلات زود هنگام به طور چشمگیری مهارت‌های زبانی را در کودکان با نیازهای ویژه بهبود می‌بخشند. این بهبود در واژگان، ساختار جمله و مهارت‌های گفتاردرمانی، در تفکر انتزاعی استدلال و حل مسئله را تقویت می‌کند.

### اهمیت شروع زود هنگام و شدت مداخله

یافته‌ها به طور قاطع بر اهمیت شروع هر چه زودتر مداخلات تأکید دارند. هر چه مداخله در سنین پایین‌تری آغاز شود (مثلاً قبل از ۳ سالگی)، نتایج مثبت‌تر و پایدارتری خواهد داشت. این امر به دلیل ظرفیت بالای انعطاف پذیری مغز در سالهای اولیه است. همچنین شدت و پیوستگی مداخله نیز عامل کلیدی در اثر بخشی آن است؛ برنامه‌های فشرده‌تر و منظم‌تر، نتایج بهتری را به همراه دارند [۱۹].

### نقش کلیدی مشارکت خانواده

نقش فعال و آموزش دیده خانواده در فرآیند، مداخله به عنوان یک عامل حیاتی در موفقیت برنامه‌های مداخله زود هنگام شناخته شده است. وقتی والدین آموزش می‌بینند که چگونه می‌توانند محیطی غنی و تحریک کننده برای رشد شناختی کودک خود فراهم کنند و چگونه مهارت‌های یاد گرفته شده در جلسات درمانی را در خانه تعمیم دهند، نتایج به طرز چشمگیری بهبود می‌یابد. خانواده‌ها نه تنها شریک درمانی هستند، بلکه مهمترین عامل تداوم و انتقال یادگیری [۱].

### رویکرد میان رشته‌ای

یافته‌ها نشان می‌دهند که مؤثرترین برنامه‌های مداخله زود هنگام آنهایی هستند که از یک رویکرد میان رشته‌ای بهره می‌برند. این رویکرد شامل همکاری تیمی از متخصصین مختلف نظیر روانشناسان، گفتار درمانگران، کاردرمانگران، فیزیوتراپیست‌ها، مربیان ویژه و پزشکان است. این همکاری تضمین می‌کند که تمامی ابعاد رشدی کودک، از جمله حیطه‌های مختلف شناختی، به صورت جامع مورد توجه و مداخله قرار گیرد.

### چالش‌ها و محدودیت‌ها

رغم تمامی نتایج مثبت یافته‌ها به چالش‌هایی نیز اشاره دارند؛ از جمله کمبود منابع مالی و انسانی متخصص، دسترسی نابرابر به خدمات مداخله‌ای نبود برنامه‌های آموزشی استاندارد برای والدین و نیاز به هماهنگی بیشتر بین نهادهای مختلف همچنین اثر بخشی مداخله می‌تواند بسته به شدت، اختلال شرایط خانوادگی و فردی کودک، و کیفیت ارائه خدمات متفاوت باشد [۲۰].

در مجموع، شواهد موجود به وضوح نشان می‌دهد که مداخله زود هنگام یک استراتژی قدرتمند و اثربخش برای بهبود مهارت‌های شناختی کودکان با نیازهای ویژه است. این رویکرد با بهره‌گیری از انعطاف پذیری مغز در سالهای اولیه زندگی و مشارکت فعال خانواده، می‌تواند مسیر رشدی کودکان را به سمت استقلال و کیفیت زندگی بهتر سوق دهد.

یافته‌ها به طور قاطع نشان دادند که مداخله زود هنگام، هنگامی که به صورت هدفمند، فشرده، خانواده محور و میان رشته‌ای طراحی و اجرا شود، قادر است بر طیف وسیعی از مهارت‌های شناختی از جمله توجه، حافظه کاری، حل مسئله استدلال زبان و عملکردهای اجرایی نظیر برنامه ریزی و کنترل بازداری تأثیرات مثبت و پایداری بگذارد. این بهبودها نه تنها به نمرات آزمونهای شناختی محدود نمی‌شوند، بلکه در عملکرد روزمره کودکان، تعاملات اجتماعی، آمادگی تحصیلی و در نهایت کیفیت زندگی کلی آنها نیز بازتاب می‌یابند مشارکت فعال و آموزش دیده خانواده به عنوان یک شریک درمانی و عنصر اصلی تداوم یادگیری در محیط‌های طبیعی زندگی کودک، از عوامل کلیدی موفقیت مداخلات است.

علاوه بر این، نتایج مطالعات طولی بر صرفه اقتصادی مداخله زود هنگام در بلندمدت تأکید دارند. سرمایه گذاری در برنامه‌های مؤثر مداخله‌ای، می‌تواند نیاز به خدمات حمایتی پرهزینه‌تر در آینده را کاهش داده و به کودکان با نیازهای بژه کمک کند تا به بزرگسالانی مستقل‌تر و مشارکت جوتر در جامعه تبدیل شوند. این امر، نه تنها یک رویکرد درمانی، بلکه یک استراتژی پیشگیرانه و توسعه‌ای برای ارتقاء سلامت عمومی و عدالت اجتماعی است [۲].

مداخلات روانشناختی با تأثیرگذاری بر مهارت‌های اجتماعی نقش مهمی در بهبود زندگی کودکان استثنایی ایفا می‌کنند. ترکیب روشهای مختلف متناسب با نیازهای فردی می‌تواند اثر بخشی بیشتری داشته باشد این مطالعه اهمیت ارائه برنامه‌های متنوع و شخصی سازی شده را برای کمک به کودکان استثنایی برجسته می‌کند [۱].

## منابع

- [۱] داداشی نوشهر، سعیده، ۱۴۰۴، نقش مداخله زود هنگام در بهبود مهارت‌های شناختی کودکان با نیازهای ویژه، <https://civilica.com/doc/2370718>
- [۲] حبیبی، زینب و محمدی نیا، سمیه، ۱۴۰۳، مداخلات روانشناختی برای تقویت مهارت‌های اجتماعی در کودکان استثنایی، هفدهمین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در تعلیم و تربیت، روانشناسی، فقه و حقوق و علوم اجتماعی، شیروان، <https://civilica.com/doc/2202701>
- [۳] شریفی، ع. (۲۰۲۰) تحلیل مشکلات اجتماعی کودکان استثنایی مجله روانشناسی و تعلیم و تربیت، ۱۹ (۴)، ۹۲-۷۸
- [۴] کاظمی، م. (۲۰۲۱) مهارت‌های اجتماعی و نقش آن در توسعه کودکان فصلنامه علوم تربیتی، ۱۰ (۱)، ۳۶-۲۲. ۱۲
- [۵] کاظمی، م. (۲۰۲۱) مهارت‌های اجتماعی و نقش آن در توسعه کودکان فصلنامه علوم تربیتی، ۱۰ (۱)، ۳۶-۲۲.
- [۵] نصیری، پ. و، احمدی س. (۲۰۲۱) مداخلات مبتنی بر ارتباط غیر کلامی برای کودکان با نیازهای ویژه نشریه روانشناسی تربیتی ۱۴ (۲) ۶۷-۸۰
- [۶] شریفی، ع. (۲۰۲۰) تحلیل مشکلات اجتماعی کودکان استثنایی مجله روانشناسی و تعلیم و تربیت، ۱۹ (۴)، ۹۲-۷۸
- [۶] نصیری، پ. (۲۰۲۰) نقش رفتار درمانی شناختی در بهبود روابط اجتماعی کودکان با نیازهای ویژه نشریه مشاوره و روانشناسی، ۸ (۲)، ۵۴-۷۰
- [۷] هاشمی، پ. و همکاران (۲۰۱۹) تأثیر هنر درمانی بر تعاملات اجتماعی کودکان با اختلالات یادگیری. نشریه هنر و روانشناسی، ۵ (۱)، ۴۷-۳۳.
- [۸] نصیری پ (۲۰۲۰) نقش رفتار درمانی شناختی در بهبود روابط اجتماعی کودکان با نیازهای ویژه. نشریه مشاوره و روانشناسی، ۸ (۲)، ۵۴-۷۰
- [۹] احمدی، س و راد. م (۲۰۲۲) تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر تعاملات کودکان استثنایی. فصلنامه روانشناسی، تربیتی، ۱۵ (۳)، ۴۵-۶۰
- [۱۰] رضاییم و همکاران (۲۰۲۲) تأثیر موسیقی درمانی گروهی بر تعاملات اجتماعی کودکان با ADHD فصلنامه روانشناسی بالینی کودک، ۹ (۳)، ۴۳-۵۸
- [۱۱] هاشمی، پ. و همکاران (۲۰۲۲) نقش تمرینهای ذهن آگاهی در کاهش اضطراب اجتماعی کودکان اوتیسم. نشریه روانشناسی کودک ۷ (۱) ۷۲-۵۸
- [۱۲] رضایی، ع. (۱۳۹۸). نقش آموزش والدین در توسعه مهارت‌های حل مسئله کودکان کم توان ذهنی. پژوهش در حوزه کودکان استثنایی، ۱۹ (۴)، ۶۷-۸۰
- [۱۳] شریفی، ح.، و یوسفی، ز. (۱۴۰۰). تأثیر برنامه‌های آموزشی زود هنگام بر عملکردهای اجرایی در کودکان با اختلال نقص توجه/بیش‌فعالی مطالعات روانشناختی، ۱۷ (۳)، ۱۱۰-۱۲۵.
- [۱۴] کریمی، م. (۱۳۹۹). اثر بخشی مداخله زود هنگام مبتنی بر بازی در بهبود توجه پایدار کودکان اوتیسم. مجله روانشناسی بالینی، ۱۲ (۱)، ۵۵-۷۰
- [15] Dawson, G., & Osterling, J. (1997). Early intervention in autism. In D. J. Cohen & F. R. Volkmar (Eds.), *Handbook of autism and pervasive developmental disorders* (2nd ed., pp. 741-762). John Wiley & Sons.
- [16] Guralnick, M. J. (2010). Early intervention for children with intellectual disabilities: A strategic perspective. *Journal of Intellectual Disability Research*, 54(12), 1013-1027.
- [17] Mahoney, G., & Perales, F. (2007). Early intervention practices: A review of the literature. *Topics in Early Childhood Special Education*, 27(2), 65-81.
- [18] National Research Council and Institute of Medicine. (2000). *From neurons to neighborhoods: The science of early childhood development*. National Academies Press.
- [19] Ramey, C. T., & Ramey, S. L. (2004). The Abecedarian Project: Long-term effects of early childhood education on high-risk children. *Applied Developmental Science*, 8(3), 164-170.

- 
- [20] Shonkoff, J. P. (2011). Protecting brains, not just bodies: Uniting early childhood development and neuroscience. *Early Childhood Research Quarterly*, 26(1), 1-12.